



An Analysis of the Jurisprudential Principle of the Dependence of Supererogatory Acts (*navāfil*) on Obligatory Acts (*farā'iz*) (Case Study of the Ruling on the Traveler's Midday Supererogatory Prayers (*nafla-yi zuhrayn*) in Places of Choice (*amākin-i takhyir*))

Sayyed Mohamad Ali Salehi 

Professor of Levels 2 and 3, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran

Email: smasharaky12@gmail.com

Abstract

The rule of following and, subsequently, the midday supererogatory prayers of a traveler in the four specific locations is a subject related to the discussion of the traveler's prayer and supererogatory acts (*navāfil*). It is one of those small-looking yet significant issues that contain ambiguities making them difficult to reach a definitive legal basis. Among these questions are: Does the rule of dependence encompass supererogatory acts (*navāfil*) or obligatory acts (*farā'iz*)? Is the following of *navāfil* by *farā'iz* fundamentally provable? If so, does its scope also include the places of choice (*amākin-i takhyir*)? And do the traveler's midday supererogatory prayers in locations other than the four specific ones carry the same ruling as those in the four locations? The present article evaluates the rule of following and the evidences for the legitimacy of the traveler's supererogatory prayer in the four locations. The study provides solutions to objections pointing to the absolute cancellation of supererogatory prayers (*sutuq-i navāfil*), the establishment of supererogatory prayers in the case of completion (*itmām*) or the intention of completion (*qaṣd-i itmām*), or their establishment in the case of treating the prayer as a short prayer (*qaṣr*).

The study employs library-based tools and a descriptive-analytical method and strengthens and proves the establishment of the midday supererogatory prayers for the traveler in the four specific locations, following a jurisprudential analysis. It concludes that the midday supererogatory prayers for the traveler in the four locations are established in an absolute sense.

Keywords: rule of dependence (*qā'idī-yi taba'iyat*); places of choice (*amākin-i takhyir*), the four locations, short prayer and completion (*qaṣr va itmām*), traveler's supererogatory prayer (*nafla-yi musāfir*)



Authors retain the copyright. This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



«واکاوی قاعده فقهی تبعیت نوافل از فرائض» (مطالعه موردی حکم نافله ظهرین مسافر در اماکن تخییر)

 سید محمدعلی صالحی

استاد سطح ۲ و ۳ حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

Email: smassharaky12@gmail.com

چکیده

قاعده تبعیت و به دنبال آن نوافل ظهرین مسافر در مکان‌های چهارگانه، یکی از مباحث مرتبط با بحث صلات مسافر و نوافل است. و از مسائل کوچک‌نمای بزرگی است که ابهاماتی را در بر دارد که دستیابی به مبنا را دشوار می‌سازد. از جمله، این پرسش‌ها مطرح است که آیا قاعده تبعیت گستره‌اش نوافل را در بر می‌گیرد یا فرائض را؟ و اساساً تبعیت نوافل از فرائض امری قابل اثبات است؟ بر فرض اثبات، دامنه‌اش مکان‌های تخییر را هم در بر می‌گیرد یا خیر؟ و آیا نوافل ظهرین مسافر در غیر مکان‌های چهارگانه، همان حکم نوافل ظهرین مسافر در مکان‌های چهارگانه را دارد؟

این نوشتار به ارزیابی قاعده تبعیت و ادله مشروعیت نافله مسافر در مکان‌های چهارگانه پرداخته و راه‌حلی برای اشکالاتی که نشانگر سقوط نوافل به نحو مطلق و یا ثبوت نوافل در فرض اتمام یا قصد اتمام و یا ثبوت در فرض قصر خواندن است، یافته است.

نگاشته پیش‌رو با به‌کارگیری ابزار کتابخانه‌ای و به‌شیوه تحلیلی توصیفی به رشته تحریر در آمده و پس از واکاوی فقهی؛ قول به ثبوت نوافل ظهرین مسافر در مکان‌های چهارگانه را تحکیم و اثبات کرده است که نوافل ظهرین برای مسافر در مکان‌های چهارگانه به نحو مطلق ثابت است.

واژگان کلیدی: قاعده تبعیت، اماکن تخییر، مکان‌های چهارگانه، قصر و اتمام، نافله مسافر.

مقدمه

قواعد فقهی از اهمیت ویژه‌ای در استنباط مسائل جزئی فقهی برخوردارند. از جمله قواعد فقهی که می‌توان آن را از فقه به دست آورد، قاعده تبعیت نوافل از فرائض است. این قاعده از قواعد فقهی در ابواب عبادات به شمار می‌آید که اثبات یا نفی آن در به دست آوردن حکم شرعی نسبت به محل‌هایی که تشریع نوافل در آن‌ها روشن نیست، مؤثر است. نافله روزانه مسافر در اماکن اربعه یکی از آن محل‌هاست. برای روشن شدن مجموعه مبانی این مسئله در ابتدا به سؤالات فرعی که قرار است در این پژوهش به آن‌ها بپردازیم، اشاره می‌شود:

آیا قاعده تبعیت نوافل از فرائض شامل غیر مکلفان (صبی ممیز) یا مسافر عاصی (که نمازش کامل است) یا کثیر السفر می‌شود یا خیر؟

محدوده قاعده و تبیین آن و کدام دلیل برای قاعده تبعیت نوافل از فرائض پذیرفتنی است؟
در این قاعده، آیا تبعیت از طرف نوافل است یا فرائض و آیا تبعیت در این قاعده از قصد مکلف است یا فعل او؟

در نگاشته پیش‌رو، این امر مسلم انگاشته شده است که در اماکن تخییر؛ یعنی مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر حسینی، وجوب تخییری، میان قصر و اتمام در نماز وجود دارد. مراد از مسافر، کسی است که به غیر وطن سفر کرده، قصد ده روز ندارد و سفر او نیز معصیت‌آمیز نیست. راجع به جواز و مشروعیت نوافل برای مسافری که نیت اقامت حداقل ده روز را دارد یا سفرش معصیت‌آمیز است اختلافی وجود ندارد. آنچه مورد بحث است مشروعیت نوافل برای مسافری است که سفر شرعی کوتاه‌تر از ده روز به اماکن اربعه دارد. اکنون قصد داریم بررسی کنیم که آیا این امر سبب مشروعیت نوافل در اماکن اربعه می‌شود یا خیر؟

راجع به موضوع تبعیت نوافل از فرائض یا حکم نافله ظهرین مسافر در اماکن اربعه نگارشی صورت نگرفته است. بحث موجود، از مسائل جزئی است که اصل آن کم‌تر مد نظر فقهای متقدم یا متأخر قرار گرفته است. بسیاری از آنان یا به آن اشاره نکرده‌اند یا اگر اشاره‌ای کرده‌اند، تنها نگاهی گذار به مطلب داشته‌اند. اما در نگاشته پیش‌رو سعی شده است نظری پایش شده و مستند نسبت به این مسئله ارائه شود.

برای نمونه، مشهور فقیهان اصل بحث تبعیت و نوافل مسافر در اماکن اربعه را مطرح نکرده‌اند، از جمله شیخ صدوق،^۱ شیخ مفید،^۲ شریف مرتضی،^۳ شیخ طوسی،^۴ ابن زهره حلبی،^۵ ابن ادریس حلی،^۶ محقق

۱. ابن بابویه، المقنع، ۱۲۴؛ ابن بابویه، الهدایة، ۱۴۲.

۲. مفید، المقنعة، ۹۱؛ مفید، الإشراف، ۲۸ و ۲۹، مفید، الإعلام، ۲۲.

۳. علم الهدی، الانتصار، ۱۶۱؛ علم الهدی، جمل العلم والعمل، ۷۷؛ علم الهدی، الناصریات، ۲۶۰.

حلی،^۷ علامه حلی،^۸ شهید اول،^۹ محقق ثانی،^{۱۰} شهید ثانی^{۱۱} و همچنین بسیاری از معاصران به این موضوع نپرداختند، از جمله مجلسی،^{۱۲} حائری،^{۱۳} خوانساری.^{۱۴} کاشف الغطاء،^{۱۵} اصفهانی،^{۱۶} شوشتری،^{۱۷} لنکرانی،^{۱۸} اشتهازی،^{۱۹} تبریزی،^{۲۰} بحرانی،^{۲۱} بروجردی،^{۲۲} یزدی،^{۲۳} حکیم،^{۲۴} خونی،^{۲۵} میرزا ابوالقاسم قمی،^{۲۶} شیخ انصاری،^{۲۷} خمینی،^{۲۸} هاشمی،^{۲۹} خوانساری،^{۳۰} عاملی،^{۳۱} قمی،^{۳۲} فیاض.^{۳۳}

۴. طوسی، النهاية، ۱۲۲ و ۱۲۴؛ طوسی، المبسوط، ۱/۱۴۱؛ طوسی، الخلاف، ۱/۱۵۶؛ طوسی، الإبتصار، ۱/۲۲۱ و ۲۷۳؛ طوسی، التهذیب، ۱۵/۲؛ طوسی، الجمل و العقود، ۶۷.
۵. ابن زهره، غنية الزوج، ۶۵. سلال ديلمی، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، ۷۷.
۶. ابن ادریس، السرائر، ۱/۳۲۷.
۷. محقق حلی، شوايع الاسلام، ۱/۱۲۲؛ محقق حلی، المختصر النافع، ۱/۵۱؛ محقق حلی، نکت النهاية، ۱/۳۵۴ و ۳۶۱؛ محقق حلی، المعتبر، ۲/۱۵ و ۴۶۵.
۸. علامه حلی، الرسالة السعدية، ۱/۳۲۲؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲/۳۲۷؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ۴/۲۲؛ علامه حلی، تبصرة المتعلمين، ۵۴؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۴/۴۰۴ و ۲/۲۷۲؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۱/۲۷۵؛ علامه حلی، نهاية الاحکام، ۲/۶۳؛ علامه حلی، تحرير الاحکام، ۱۰۰؛ علامه حلی، تلخیص المرام، ۲۳.
۹. شهید اول، البيان، ۲۶۶؛ شهید اول، الدروس، ۱/۲۱۲؛ شهید اول، الألفية، ۶۹؛ شهید اول، غاية المراد، ۱/۱۸۸ و ۲۱۷؛ شهید اول، اللمعة، ۴۷؛ شهید اول، النفلية، ۱۱۰.
۱۰. محقق ثانی، ۲/۹.
۱۱. شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۴۶۷؛ شهید ثانی، حاشية الإرشاد، ۱/۲۱۷ و ۱۸۸؛ شهید ثانی، فوائد الملية، ۶۰؛ شهید ثانی، المختصر، ۲۶ و ۴۹؛ شهید ثانی، شوايع الاسلام، ۴۰ و ۷۱؛ شهید ثانی، الروضة البهية، ۱/۷۷۸؛ شهید ثانی، الحاشية الأولى، ۲۰۳ و ۲۲۳؛ شهید ثانی، مسالك الأفهام، ۱/۳۳۸؛ شهید ثانی، الحاشية الثانية، ۳۲۹.
۱۲. مجلسی، لوامع، ۳۶/۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر. تحفة رضويه، ۳۶۴.
۱۳. طباطبائی کربلانی، ریاض، ۲/۱۶۵؛ شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱/۳۰.
۱۴. خوانساری، مشارق الشمس، ۱۶۴.
۱۵. آل کاشف الغطاء، انوار الفقاهة؛ کتاب الصلاة، ۵.
۱۶. نجفی اصفهانی، نجعة المراتد، ۳۵۳ و ۳۵۷.
۱۷. شوشتری، النجعة، ۲/۲۳. ابن سعید حلی، الجامع للشرايع، ۹۱.
۱۸. فاضل موحدي لنکرانی، تفصيل الشريعة؛ کتاب الصلاة، ۸ و ۲۶.
۱۹. اشتهازی، مدارک، ۱۱/۵ و ۵۵ و ۵۸. ابن سعید حلی، نزهه الناظر فی جمع بين الاشباه و النظائر، ۲۵.
۲۰. تجلیل تبریزی، التعليقة الاستدلالية، ۲۱۷.
۲۱. سند، سند العروة، ۲۸۷ و ۳۱۸. علامه حلی، مختلف الشيعة فی احکام الشريعة، ۱۳۱/۳ و ۱۴۱.
۲۲. بروجردی، تبيان الصلاة، ۳/۲۴؛ بروجردی، نهاية التقرير، ۱/۶۴؛ بروجردی، تقرير بحث السيد البروجردی، ۲/۳۷۳ و ۵۰۹.
۲۳. یزدی، العروة الوثقى، ۱/۳۰.
۲۴. حکیم، مستمسک، ۵/۱۲ و ۸/۱۵۹. حلبی تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، ۱۵۸.
۲۵. خویی، موسوعة، ۱۱/۴۰ و ۴۹ و ۵۷/۲۲۶ و ۲۰/۱۴۹ و ۳۵۴.
۲۶. میرزای قمی، غنائم الايام، ۲/۸۳ و ۱۲۹.
۲۷. انصاری، کتاب الصلاة، ۳/۵۴. بنی فضل، مرتضى. مدارک تحرير الوسيلة، ۳/۲۵۳ و ۳۶۷ و ۴۱۱.
۲۸. خمینی، زیدة الاحکام، ۱/۲۶۴.
۲۹. هاشمی شاهرودی، قرانات الفقهاء، ۱/۲۲۷.
۳۰. خوانساری، جامع المدارک، ۱/۵۸۷. جمعی از نویسندگان، معجم فقه جواهر، ۳/۶۸۴ و ۵۵۰.
۳۱. ترحینی عاملی، زیدة الفقهاء، ۲/۱۴. جمعی از نویسندگان، فرهنگ فقه مصایق مذهب اهل بیت، ۳/۱۳۰.
۳۲. قمی، الدلائل، ۴/۴۵۲؛ طباطبائی قمی، مبانی منهاج، ۵/۵۴۵.

البته تنها برخی از متأخران به ویژه از معاصران، این موضوع را در کتب خود اشاره کرده‌اند: شهید اول،^{۳۴} فیض کاشانی،^{۳۵} عاملی،^{۳۶} اردبیلی،^{۳۷} بحرانی،^{۳۸} بهبهانی،^{۳۹} عاملی،^{۴۰} نراقی،^{۴۱} نجفی،^{۴۲} رضا همدانی،^{۴۳} نائینی،^{۴۴} محمدحسین اصفهانی،^{۴۵} اصفهانی،^{۴۶} بروجردی،^{۴۷} سیدیزدی،^{۴۸} روحانی،^{۴۹} سبزواری،^{۵۰} سبحانی.^{۵۱}

براساس داده‌های موجود می‌توان اقوال و نظریات را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

ا. سقوط نافله مسافر به طور مطلق،^{۵۲} حتی در اماکن اربعه.^{۵۳}

ب. ثبوت نافله مسافر در اماکن اربعه به طور مطلق.^{۵۴}

ج. ثبوت نوافل مسافر در اماکن اربعه در فرض قصد اتمام فریضه.^{۵۵}

۳۳. فیاض، تعالیک مبسوطه، ۴/۴۶۸.

۳۴. شهید اول، ذکری، ۲/۲۹۷؛ ۴/۳۳۵.

۳۵. فیض کاشانی، شهاب الثاقب، ۱/۳۴؛ فیض کاشانی، معتمد الشیعة، ۱/۲۲۱ و ۲۲۲.

۳۶. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۳/۲۶. ابن شهید ثانی، استقصاء الاعتبار، ۴/۲۳.

۳۷. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵/۱۹۶.

۳۸. بحرانی، الحدائق الناظرة، ۶/۴۵؛ ۱۱/۲۹۸ و ۴۶۸.

۳۹. بهبهانی، مصابیح الظلام، ۲/۲۱۲ و ۴۵۱ و ۵۹۲.

۴۰. حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۵/۳۳ و ۳۵.

۴۱. نراقی، مستند الشیعة، ۵/۴۳۴ و ۴۳۹؛ ۸/۳۱۹.

۴۲. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۴/۳۹.

۴۳. همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳.

۴۴. نائینی، کتاب الصلاة، ۱/۱۸.

۴۵. غروی اصفهانی، صلاة المسافرين، ۱۵۴.

۴۶. اصفهانی، صلاة المسافرين، ۲۰۷.

۴۷. بروجردی، البدر الزاهر، ۲/۳۷۰.

۴۸. یزدی، غروة الوثقی، ۲/۱۶۰.

۴۹. روحانی، فقه الصادق، ۴/۲۱ و ۲۲.

۵۰. سبزواری، مهذب الاحکام، ۵/۲۳ و ۲۸۲/۹.

۵۱. سبحانی تبریزی، ضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

۵۲. ابن‌براج، المهذب، ۱۰۵/۱؛ محقق حلی، المعتمد، ۲/۱۵ و ۴۶۵؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۱/۲۷۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۲/۹؛ شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۴۶۷؛ خوانساری، التعليقات على الروضة، ۱۶۴؛ کاشانی، تسهيل المسالك، ۱۲۶؛ اشتهااردی، مدارک العروة، ۱۱/۵۱ و ۵۵ و ۵۸؛ بروجردی، تبيان الصلاة، ۱/۶۴؛ مدرس یزدی، نموذج، ۴۹۱ و ۴۹۵؛ همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳؛ نائینی، کتاب الصلاة، ۱/۱۸.

۵۳. حائری، ریاض المسائل، ۲/۱۶۵؛ ابن‌براج، المهذب، ۱۰۵/۱؛ محقق حلی، المعتمد، ۲/۱۵ و ۴۶۵؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۱/۲۷۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۲/۹؛ شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۴۶۷؛ آقا جمال خوانساری، التعليقات على الروضة، ۱۶۴؛ همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳؛ نائینی، کتاب الصلاة، ۱/۱۸؛ روحانی، فقه الصادق، ۴/۲۱ و ۲۲؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ۵/۲۳ و ۲۸۲/۹.

۵۴. شهید اول، ذکری، ۲/۲۹۷ و ۴/۳۳۵؛ فیض کاشانی، الشهاب الثاقب، ۱/۳۴؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵/۱۹۶؛ بهبهانی، مصابیح الظلام، ۲/۲۱۲ و ۴۵۱؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۵/۳۳ و ۳۵؛ نراقی، مستند الشیعة، ۵/۴۳۴ و ۴۳۹؛ ۸/۳۱۹؛ اصفهانی، کتاب الصلاة، ۱۵۴؛ بروجردی، تقریر بحث السيد بروجردی، ۲/۳۷۰؛ سبحانی تبریزی، الضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

- د. ثبوت نوافل مسافر در فرض انجام فریضه در اماکن اربعه، حتی اگر فریضه را به صورت قصر بخواند.^{۵۶}
- ه. ثبوت نوافل مسافر در فرض انجام فریضه به صورت تمام. به این معنا که، اگر فریضه را در اماکن اربعه به صورت قصر بخواند، نوافل برای وی مشروع نیست.^{۵۷}
- و. ثبوت نوافل مسافر در اماکن اربعه به طور مطلق، حتی در فرض اتیان فریضه خارج از اماکن اربعه.^{۵۸}
- ز. جواز خواندن نوافل در اماکن اربعه رجاءاً.^{۵۹}

۱. دلیل قاعده تبعیت نوافل از فرائض

عمده دلیلی که برای تبعیت آورده شده، روایت ابی یحیی الحنطاط است که می فرماید: «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ فِي السَّفَرِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ»؛^{۶۰} (اگر نافله در سفر صحیح باشد، فریضه نیز کامل خواهد بود) و روایت فضل بن شاذان «قَالَ وَ إِنَّمَا تَرَكَ تَطَوُّعَ النَّهَارِ وَلَمْ يَتْرَكْ تَطَوُّعَ اللَّيْلِ لِأَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ لَا يَقْصُرُ فِيهَا لَا يَقْصُرُ فِيمَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ»؛^{۶۱} (فرمود: منحصرأ نافله روز ساقط می شود، ولی نافله شب ساقط نمی شود، زیرا هر نمازی که قصر در آن راه ندارد، در نافله آن نیز تقصیر اعمال نمی شود.) اما روایات دیگری هم در این زمینه وجود دارد که می تواند شاهد بحث باشد. برای مثال، روایت «سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ وَأَنَا فِي سَفَرٍ فَقَالَ لَا»؛^{۶۲} (سؤال پرسیدم از نافله در روز و در حالی که در سفر هستم. حضرت فرمودند: خوانده نمی شود.)

بیان استدلال: نافله دایر مدار تمامیت فریضه است. به این معنا که، در هر زمانی نماز تمام باشد، نافله نیز برقرار است. بنابراین، اگر در اماکن اربعه نماز را تمام اختیار کرد نافله ساقط نمی شود.^{۶۳}

۵۵. بروجردی، تقریر بحث السید البروجردی، ۳۷۳/۲ و ۵۰۹؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۳۹/۴؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع، ۵۰/۷ و ۵۱ و ۵۲.

۵۶. فیض کاشانی، معتمد الشیعة، ۲۲۱/۸ و ۲۲۲؛ بحرانی، الحدائق الناطرة، ۴۵/۶ و ۲۹۸/۱ و ۴۶۸؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۳۳/۵ و ۳۵؛ اصفهانی، صلاة المسافرين، ۲۰۷. کاشانی ملا حبیب الله، تسهیل المسالک، ۴ و ۵.

۵۷. فیض کاشانی، معتمد الشیعة، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام ثوب الجدید، ۳۹/۴؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام فی شرح شرایع، ۵۰/۷ و ۵۱ و ۵۲؛ سبحانی تبریزی، الضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

۵۸. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳؛ فیض کاشانی، معتمد الشیعة، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲.

۵۹. اصفهانی، کتاب الصلاة، ۱۵۴؛ یزدی، عروة الوثقی، ۱۶۰/۲؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۳/۵ و ۲۸۲/۹.

۶۰. طوسی، الاستبصار، ۲۲۱/۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۲/۴.

۶۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۱/۴ و ۸۲.

۶۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲.

۶۳. آل کاشف الغطاء، انوار الفقاهة، ۲۰.

۱.۱. پاسخ دلیل تبعیت نوافل از فرائض

بررسی سندی روایت: ابی یحیی الحنّاط (گندم فروش) توثیق نشده است و آن فردی که توثیق شده، ابی ولاد الحنّاط است.^{۶۴}

بررسی دلالی روایت: نخست، خبر ابی یحیی به بحث مدّ نظر مرتبط نیست، زیرا ملازمه ای میان صلاحیت نافله و تمامیت فریضه وجود ندارد، در حالی که مطلوب در مقام، اثبات عکس این مطلب است؛ یعنی ملازمه میان تمامیت فریضه و صلاحیت نافله است.^{۶۵}

دوم، ملازمه در خبر به لحاظ طبع سفر است، نه به لحاظ عظمت و شرف بقعه. سفر بما هو (فی نفسه، به خودی خود) همان طور که اقتضای قصر فریضه را دارد، اقتضای سقوط نافله را نیز به دنبال دارد. باتوجه به این مطلب، هر جا که فریضه تمام باشد، نافله نیز صلاحیت دارد. اما این روایت بر سقوط نافله در غیر سفر و همچنین بر ثبوت نافله در فرض ثبوت فریضه تامه در غیر جهت سفر دلالت نمی کند، مثل عظمت و شرف بقعه که برای اماکن اربعه است.^{۶۶}

سوم، تبعیت نوافل از رواتب نیازمند قرینه است، در حالی که قرینه ای نداریم و آن چیزی که ممکن است از آن استفاده تبعیت کنیم، تبعیت در اصل تشریع اولیه است نه حالات عارضه بر آن.^{۶۷}

۲. ادله ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه در فرض اتمام

عمده دلیل قائلان به ثبوت نوافل ظهرین در فرض اتمام فریضه به شرح زیر است:

۱.۲. اخبار تبعیت

دو دسته از روایات در این خصوص وجود دارد:

۱. «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ فِي السَّفَرِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ» یا «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ بِالنَّهَارِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ».^{۶۸}

۲. روایت عبدالله بن سنان «الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء، إلا المغرب».^{۶۹}

بیان روایت: دلالت روایت چنین است که هرگاه نافله معتبر باشد فریضه تمام است و هر جا فریضه تمام باشد، نافله صلاحیت دارد. گویا میان فریضه و نافله ملازمه است. همچنین می فرمایند در صورت

۶۴. مدرس یزدی، نموذج فی الفقه الجعفری، ۴۹۴.

۶۵. اصفهانی، نجعة المراتد، ۳۵۷.

۶۶. اصفهانی، کتاب الصلاة، ۱۵۴؛ مدرس یزدی، نموذج فی الفقه الجعفری، ۴۹۴ و ۴۹۵.

۶۷. خوئی، منهاج الصالحین، ۲۵۳/۱؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۴/۵.

۶۸. طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲؛ طوسی، الاستبصار، ۲۲۱/۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۲/۴.

۶۹. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۱/۴؛ اراکی، کتاب الصلاة، ۳۳/۱.

شکسته بودن نماز، نه بعدش و نه قبلش، نافله ای نیست.^{۷۰}

واکاوی بیان روایت: ادله اتمام در اماکن اربعه به مثابه (مانند) صغراست و قول حضرت «لو صلحت النافله...» به مثابه کبراست. بنابراین، وقتی این قیاس به عرف سپرده شود، به ضمیمه روایاتی که ترغیب می کنند به کثرت صلات و به ضمیمه اطلاعات اولیه، اطمینان ایجاد می شود که اتمام مشروع است و خواندن نوافل در اماکن اربعه جایز است.^{۷۱}

تحلیل روایت: مراد از فقره «لو صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ...» تشریح استحباب تعلیقی است. به این معنا که، اگر در مکانی نافله مستحب باشد، این به معنای کامل بودن فریضه در آن مکان است و در غیر این صورت، استحباب معنا ندارد. همچنین از کلمه «لو» و از کلمه «لام» در فقره «لَتَمَّتْ» تبعیت نافله از فریضه استنباط می شود، زیرا جزا مترتب بر شرط است.

پاسخ اخبار تبعیت: برخلاف روایات بیانگر سقوط نوافل در اماکن اربعه، روایاتی مطلق، در دست داریم. مانند: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رُكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ»؛ (نماز در سفر شکسته است نه قبل از آن و نه بعد از آن چیزی نیست) و روایت «سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ وَأَنَا فِي سَفَرٍ فَقَالَ لَا»؛^{۷۲} (سؤال پرسیدم از نافله در روز و درحالی که در سفر هستم. فرمودند: خوانده نمی شود).

پاسخ: نخست، ادله ای که به طور مطلق بر سقوط نوافل در حالت سفر دلالت دارند، تنها شامل مواردی می شوند که نمازگزار در اماکن غیرتخیر قرار دارد و این ادله از تمامی جهات اطلاق ندارند که بتوان آن ها را به اماکن تخیر نیز تعمیم داد. به عبارت دیگر، شمول این ادله محدود به غیراماکن تخیر است. این رویکرد در استنباط شباهت دارد به تحلیل آیه «فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ»، که در آن متکلم تنها از جهت خاص (حلیت گوشت صید) سخن می گوید و به سایر جهات مربوط به شکار نمی پردازد.^{۷۳}

دوم، روایت «لا قبلهما...» از جهت اماکن اربعه تخصیص می خورد و مخصوص فرضی می شود که متعین قصر است، نه فرضی که اتمام در آن تجویز شده است.^{۷۴}

سوم،^{۷۵} در فرضی که مکلف ابتدای نماز ظهر در وطن باشد و نماز را نخواند و به سفری که تمام شرایط سفر قصری را دارد حرکت کند، در این حالت بنا بر مشهور علما وظیفه فرد قصر است. باین حال، نافله اش

۷۰. حجت کوه کمره‌یی، النجم الزاهر، ۱۰۹.

۷۱. اشتهازی، مدارک العروة، ۴۱۰/۱۹.

۷۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲.

۷۳. مانند: ۴.

۷۴. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳.

۷۵. اشکال نقضی (اصطلاح نقضی یعنی توسعه در اشکال).

تجویز شده است.

۲.۲. استظهار صاحب مدارک

صاحب مدارک می‌فرماید: استحباب خواندن نوافل در اماکن اربعه کلام نیکویی است. اما استحباب در فرض تمام خواندن فریضه امری بس ظاهر است.^{۷۶}

پاسخ: مراد از ظهور، اگر ظهور روایات باشد، باید گفت: چنین ظهوری در روایات وجود ندارد. شاهد بر این مدعا، قیل و قال‌های مطرح‌شده نسبت به مسئله و نقض و ابرام‌های وارده بر مسئله است. اگر مراد از ظهور، استظهار ایشان باشد، گفته می‌شود استظهار ایشان برای ما حجت نیست. اگر هم وجدان باشد، چنین وجدانی یافت نشد.

۲.۳. کلام صاحب جواهر

صاحب جواهر می‌گوید: نافله تابع فریضه است و نتیجه گرفته‌اند که اگر مکلف فریضه را تمام بخواند یا فریضه تمام جعل شده باشد، هرچند به صورت تخییری، نافله مشروع است. عمده دلیلی که بر این ادعا اقامه می‌شود عبارت است از:

أ. پشتیبانی اقوال فقهاست، از جمله: شهید اول، محقق اردبیلی، عاملی، ابن‌نما.

ب. پشتیبانی روایات، از جمله روایت مشهور: «يَا بُنَيَّ، لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ»؛^{۷۷} (اگر نافله در سفر صحیح باشد، فریضه نیز کامل خواهد بود). در این روایت صاحب جواهر از کلمه «صَلَّحْتَ» استظهار کرده است که مشروعیت نافله، نه به وقوع اتمام فریضه، بلکه به امکان و صلاحیت شرعی برای اتمام وابسته است.

اشکالات کلام صاحب جواهر: نخست، مبنای تبعیت نوافل از فرائض خالی از مناقشه و اجمال نیست. اگر نگوییم که رد می‌شود؛ دوم، بر فرض تبعیت نافله از فرائض باز هم نوافل در اماکن اربعه ساقط می‌شود، حتی در جایی که تمام خواندن مشروع باشد، اما با دو پیش‌فرض:

اول. روایتی که نوافل را در سفر ساقط می‌کند «الصلاه في السفر ركعتان...»^{۷۸} شامل اماکن اربعه نیز می‌شود. اما اینکه دلیل خاص می‌گوید: در اماکن اربعه اتمام نیز مجاز است منافاتی با «ركعتان ركعتان» ندارد؛ زیرا مقتضای جمع بین دلیل‌ها این است که اتمام نیز شرعا در اماکن اربعه جایز است. اما اصل تشریع را دلیل خاص نفی نمی‌کند، زیرا دلیل خاص هم می‌گوید تشریع همان دو رکعت است و پیامبر

۷۶. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۲/۳.

۷۷. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۵۰/۷ و ۵۲؛ ۳۴۲/۱۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲.

۷۸. ابن‌بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۸۶/۴.

اکرم در سفر چیزی اضافه نکردند و به اختیار مکلف گذاشتند. بنابراین، تشریع «رکعتان رکعتان» در سفر نیز اطلاق دارد و اماکن اربعه را نیز شامل می‌شود.

دوم. روایت ابی‌یحیی «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ...» دلالت دارد که هر جا فریضه به صورت تمام جعل نشده باشد، نافله صلاحیت ندارد. اما در اماکن اربعه چون اتمام واجب تعیینی نیست، بلکه تخییری است، باز هم نوافل ساقط می‌شود؛ زیرا مراد از تَمَّتِ الفریضه، وجوب تعیینی است.

۳. ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه حتی در فرض انجام دادن فریضه خارج از اماکن

عمده دلیل در این بحث، کلام فیض کاشانی است.

صحیحۀ علی بن مهزیار و روایت علی بن حدید: ایشان می‌فرماید: نسبت به خواندن نوافل در اماکن اربعه سه قول وجود دارد: ۱. مطلقاً مستحب است خواندن نوافل در اماکن اربعه، هر چند فریضه در خارج از اماکن اربعه تمام خوانده شود؛ ۲. مطلقاً مستحب است خواندن نوافل در اماکن اربعه، ولو اینکه فریضه در خارج از اماکن اربعه شکسته خوانده شود؛ ۳. خواندن نافله در فرض آوردن فریضه به‌طور کامل در اماکن اربعه مستحب است.

وی می‌گوید: وجه اول اقرب است و استشهد می‌کند به روایتی از امام جواد(ع) که حضرت می‌فرماید: «برتری دارد نماز خواندن در مسجد الحرام و مسجد النبی بر سایر مساجد و من دوست دارم برای تو که وقتی داخل این دو حرم می‌شوی فریضه‌هایت را شکسته بخوانی و زیاد نوافل بخوانی.» در روایت دیگری می‌فرماید: «مطلقاً هر چه می‌توانی نوافل بخوان؛ چه در حرمین و چه در غیر حرمین، چه در فرض شکسته خوانده شدن و چه فرض اتمام فریضه.»^{۷۹}

تحلیل کلام فیض کاشانی: متن ایشان از لحاظ برداشت مغلق است، زیرا از یک سو در متن می‌فرماید سه قول در مسئله است. سپس قول سوم را که استحباب نافله در فرض اتمام فریضه در اماکن اربعه باشد را بالخصوص ذکر می‌کند و از دیگر سو، در پاورقی در ذکر اقوال، قول اول را ایشان اقرب می‌دانند. افزون بر اینکه، ایشان نسبت به قول اول می‌فرماید: «لَعَلَّ». از این تعبیر به دست می‌آید که ایشان این دلیل را نپذیرفته است و در حد تصور و ثبوت مطرح می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد قول سوم ظهورش بیشتر از سایر اقوال باشد. مؤید این کلام، تصحیحی است که بر این کتاب صورت گرفته است که مصحح قول سوم را تیتیر کرده است. با این اوصاف، دلیل سوم مدعی است که خواندن نوافل در اماکن اربعه مطلقاً

۷۹. فیض کاشانی، معتمد الشیعة، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ کلینی، الکافی، ۵۲۵/۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۸/۵ و ۴۲۶.

مستحب است، حتی اگر فریضه در خارج از اماکن اربعه خوانده شود را اثبات نمی‌کند، بلکه خلاف آن را به اثبات می‌رساند که استحباب نوافل تنها در فرض خواندن فریضه به صورت تمام در خود اماکن اربعه صحیح است.

۴. ادله ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه مطلقاً

۴. ۱. اخبار عامه

أ. صحیحة علي بن مهزيار «فأنا أحب لك إذا دخلتهما أن لا تقصر و تكثر فيهما من الصلاة».^{۸۰}
بیان و تحلیل روایت: کامل‌ترین مرتبه کثرت در انجام اعمال، خواندن تمامی اعمال مستحبی روزانه است که از جمله آن‌ها نافله‌های مربوط به فرائض است. باین حال، این گونه روایات به دلایلی چند از حجیت ساقط می‌شوند:

نخست، واژه «صلاة» در این روایات، بدون قرینه، ظهور در نماز واجب دارد. البته ممکن است کسی اشکال کند که در برخی از روایات واژه «صلاة» به نمازهای مستحبی غیر از نوافل نیز اطلاق می‌شود.
دوم، واژه «أحب» باتوجه به عبارت «لا تقصر» اشاره به نماز واجب دارد که وجوب آن ثابت شده است ولی حضرت کیفیت انجام آن را به طور کامل بیان می‌کنند و می‌فرمایند: که من دوست دارم نماز را به طور کامل بخوانی. در نوافل، مفهوم «دوست داشتن» معنایی ندارد، زیرا ابتدا باید تکلیف مشخص باشد و سپس اگر مازاد بر آن باشد، گفته می‌شود که حضرت دوست دارد.

سوم، افزون بر این، عبادات مستحب (مانند نوافل) براساس رغبت و توانایی شخص انجام می‌شوند و تکلیف خاصی برای «کثرت» آن‌ها وجود ندارد. باتوجه به وحدت سیاق، عبارت «وتكثر فيهما من الصلاة» به معنای زیاد خواندن نمازهای واجب در حرمین است، از جمله خواندن نمازهای قضا.

ب. رواية علي بن حديد: «صلّ النوافل ما شئت»^{۸۱} «صل في المسجد الحرام ما شئت تطوعاً فقال...»^{۸۲} «از حضرت راجع به نوافل در اماکن اربعه پرسیدم؟ حضرت فرمودند: در مسجد الحرام و مسجد الرسول و نزد قبر حسین (ع) آنچه نماز مستحبی می‌خواهی بخوان و من آن را دوست می‌دارم یا از حضرت پرسیدم آیا نزد قبر حسین (ع) در روز نماز مستحبی بخوانم حضرت فرموده‌اند: بله»^{۸۳}
بیان روایت: در ارتکاز راوی چنین بوده است که نوافل نهاریه به تبع قصر رباعیات ساقط می‌شود و

۸۰. کلینی، الکافی، ۵/۲۵، ح ۸؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۸/۵.

۸۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۶/۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۳/۸.

۸۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۲۴۶.

۸۳. نراقی، مستند الشیعة، ۴۳۹/۵.

شرف و عظمت اماکن تخییر اقتضای جواز اتمام را دارد. پس آیا اتمام فریضه، اقتضای مشروعیت نافله را دارد؟ حضرت می‌فرماید: بله.^{۸۴}

ج. روایت ابن‌ابی‌عمیر «وَأَنَا مُقْصِرٌ قَالَ تَطَوُّعٌ عِنْدَهُ وَأَنْتَ مُقْصِرٌ مَا شِئْتَ... فَإِنَّهُ خَيْرٌ»^{۸۵} یا روایت النفلیه «الصلاة خیر موضع فمن شاء استقل ومن شاء استكثر»

تحلیل و بیان روایت ابی‌عمیر: سائل از حضرت می‌پرسد وقتی که مسافر هستم و نمازهایم را شکسته می‌خوانم، آیا در جوار قبر امام حسین (ع) و مکه و مدینه می‌توانم نماز مستحبی بخوانم؟ حضرت فرمودند: در جوار قبر امام حسین (ع) آنچه نماز مستحبی می‌خواهی بخوان، زیرا آن عمل خیر و پسندیده‌ای است. یا در روایت دیگر می‌فرماید: نماز بهترین چیزی است که خدای متعال برای بشر قرار داده، پس هرکس که بخواند کم بخواند و هرکس بخواند زیاد بخواند. در نظر راوی، به قرینه عبارت «أَنَا مُقْصِرٌ»، مسلم بوده است که نوافل نهاریه در سفر ساقط می‌شود. با این سؤال، او در تلاش بوده است تا از حضرت بپرسد که آیا این حکم درباره مکان‌های تخییر نیز صادق است یا خیر؟ حضرت می‌فرماید: «نماز مستحبی در مشاهد مشرفه، حتی زمانی که نمازهای شما شکسته است، قابل خواندن است.»

تحلیل و بیان روایت النفلیه: در روایت «الصلاة خیر موضع فمن شاء استقل َوَ مَنْ شَاءَ اسْتَكْثَرَ»، واژه «الصلاة» انصراف دارد به فرائض، نه نوافل؛ زیرا کثرت استعمال صلاة در فرائض است.^{۸۶}

پاسخ: نخست: انصراف زمانی صحیح است که قرینه صارفه‌ای بر آن وجود نداشته باشد اما در اینجا واژه «استقل» و «استكثر» خود به‌عنوان قرینه صارفه برای انصراف عمل می‌کند.

دوم: اگر مراد از صلاة، فرائض باشد، این استدلال به نظر نادرست است؛ زیرا کم و زیادکردن نماز به اختیار مکلف نیست و او در این مورد اختیاری ندارد. به عبارت دیگر، در فرائض نماز، فرد نمی‌تواند اختیار داشته باشد که تعداد رکعات را کم یا زیاد کند. بنابراین، مناسب‌تر به نظر می‌رسد که مراد از صلاة در این روایت، اعمال مستحبی باشد؛ چراکه مکلف در نوافل اختیار دارد که نماز را کم یا زیاد بخواند.

سوم: در این روایت، صحبت از اتمام یا قصر نماز نیست، بلکه گفته شده است که مکلف مخیر است که نماز را کم یا زیاد بخواند. این کم و زیادخواندن نماز، ارتباطی به دو رکعتی یا چهار رکعتی بودن نماز ندارد. البته ممکن است در برخی موارد شامل آن شود، اما باید توجه داشت که این مسئله بیشتر ناظر به واژه‌های «استقل» و «استكثر» است که به کثرت نمازهای مستقل اشاره دارند. به عبارت دیگر، این

۸۴. اصفهانی، کتاب الصلاة، ۱۵۴.

۸۵. مجلسی، بحار الانوار، ۷۹/۸۶.

۸۶. حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۲۳/۵.

اصطلاحات مربوط به نمازهای مستقلی است که هریک به طور جداگانه خوانده می شوند، مانند نماز ظهر، عصر، نماز زیارت، نافله، نماز حاجت و نماز شب.

برای تأیید این ادعا، شاهد عرفی نیز وجود دارد. به این معنا که، ممکن است مکلف نماز ظهر و عصر را به طور کامل بخواند ولی همچنان مفهوم «استقلَّ» بر آن صدق می کند، زیرا دو نماز مستقل خوانده است، ولو اینکه هریک از آن ها به طور کامل خوانده شده باشد. اما اگر مکلف نماز ظهر و عصر را شکسته بخواند و علاوه بر آن نماز شب را نیز بخواند یا قضای نوافل را به ویژه در سفر بخواند، در اینجا مفهوم «استکثر» صدق می کند. بنابراین، ملاک کثرت، کثرت استقلالی است، نه کثرت اجزایی و ارکانی. به عبارت دیگر، «استکثار» به معنای افزایش تعداد نمازهای مستقل است، نه افزایش تعداد رکعات یا اجزای هر نماز. براین اساس، این بحث به موضوع مدّ نظر مرتبط نیست.^{۸۷}

روایت اسحاق بن عمار «أَتَنَفَّلُ فِي الْحَرَمِينَ... نَعَمْ مَا قُدْرَتُ عَلَيْهِ»: به حضرت عرض کردم فدایت شوم در وقتی که مسافر هستم و نماز را شکسته می خوانم آیا می توانم در حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر امام حسین نماز مستحبی و نافله بخوانم؟ حضرت فرمودند: بله، تا آنجا که قدرت داری نماز بخوان.

بیان روایت: وقتی نافله در اماکن اربعه با فرض قصر ثابت است، به طریق اولی در فرض اتمام ثابت است.^{۸۸}

۲. ۴. رجوع به اصل در فرض شک

سبحانی می فرماید: سقوط نوافل در فرضی است که فریضه به صورت قصر باشد اما در جایی که فریضه قصر نیست، نافله طبق اصل اولی، که انجام دادنش مستحب است، باقی می ماند.^{۸۹}

۳. ۴. ادله تحریض و ترغیب در کثرت صلاة

بحرانی بیان می کند که بزرگان فقهی مانند شهید، محقق اردبیلی، فاضل خراسانی، علامه مجلسی و محدث کاشانی تصریح کرده اند که نوافل ساقط شده از مکلف در سفر، در اماکن اربعه به طور مطلق انجام شدنی است. این امر، چه مکلف نماز فریضه را به صورت اتمام بخواند و چه به صورت قصر، جایز است. دلیل این حکم، استناد به ادله ای است که بر ترغیب و تشویق به کثرت نماز تأکید دارند، از جمله حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «الصلاة خير موضع، فمن شاء استقلَّ و من شاء استکثر»؛ نماز

۸۷. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة، ۸/۲.

۸۸. بحرانی، الحدائق الناظرة، ۴۶۷/۱۱؛ بهجت فومنی، بهجة الفقيه، ۹.

۸۹. سبحانی تبریزی، ضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

بهترین موهبتی است که خداوند متعال برای بشر قرار داده است. بنابراین، هرکس بخواهد می‌تواند آن را کم بخواند و هرکس بخواهد می‌تواند آن را زیاد به جا آورد.^{۹۰}

ابوالحسن اصفهانی بیان می‌کند: نافله در اماکن اربعه مطلقاً ثابت است، به علت روایت‌هایی که در این زمینه وجود دارد.^{۹۱} روایتی است که می‌فرماید نزد قبر امام حسین (ع) و حرمین ولو نماز شما قصر است هر چقدر می‌توانی نافله بخوان.^{۹۲} یا خبر علی بن ابی حمزه که از حضرت پرسیدند: نسبت به نافله ظهر در کنار قبر امام حسین و مشاهد نبی و حرمین حضرت فرمودند: هر چقدر می‌توانی نماز بخوان.^{۹۳} در پایان می‌فرماند: کسی که تأمل کند در اخبار و تعلیلات وارده پی می‌برد که زیادخواندن نافله خیر است و زیادی خیر هم خیر است. بنابراین، به این نتیجه می‌رسد که رجائاً خواندن نوافل طبق هیچ مبنایی مشکل ندارد.

۴. ۴. شرف بقیعه

روایاتی که شرافت و عظمت بقعه‌های مبارک را ذکر می‌کند. پاسخ: شرافت یک مکان به تنهایی مجوزی برای اتمام صلاة نیست، همان‌طور که مسجد الاقصی به‌طور واضح شرافت دارد، اما این شرافت دلیلی بر جواز تمام یا خواندن نافله در آن نیست.^{۹۴}

۴. ۵. خروج تخصصی اماکن اربعه از ادله سقوط نوافل

بهیچانی می‌گوید که عموم ادله‌ای که بر سقوط نوافل دلالت دارند شامل اماکن اربعه نمی‌شود؛ چه در فرض قصر و چه در فرض تمام. ایشان در خصوص قصر، براساس احتمال، این حکم را می‌پذیرد. در پایان اضافه می‌کند که این موضوع (ثبوت نافله ظهرین به‌طور مطلق) به‌ویژه در کنار قاعده تسامح در ادله سنن که در احکام مستحبی اعمال می‌شود، درخور توجه است.^{۹۵} (قاعده تسامح در ادله سنن می‌گوید که در مسائل مستحبی مانند نوافل نیازی به سخت‌گیری در ادله نیست و حتی اگر احتمال استحباب وجود داشته باشد، کافی است که عمل به آن انجام شود.)

پاسخ: قاعده تسامح بیشتر در زمینه‌هایی کاربرد دارد که شواهد و روایات درباره مستحبات ضعیف یا غیرقطعی است، درحالی‌که درباره نوافل، اصول و قواعد فقهی و روایات مستند و محکمی وجود دارد که می‌تواند سبب ایجاد تمایز در میان مکان‌ها یا شرایط مختلف شود.

۹۰. بحرانی، الحدائق الناظرة، ۴۵/۶؛ ۲۹۸/۱۱ و ۴۶۸.

۹۱. اصفهانی، صلاة المسافرين، ۲۰۷.

۹۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۵۲/۵.

۹۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۵۲/۵.

۹۴. سبحانی تبریزی، ضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

۹۵. بهیچانی، مصابیح الظلام، ۲۱۲/۲ و ۴۵۱ و ۵۲۹.

۴. ۶. اتمام صلاة

شهید اول در کتاب ذکر الشیعة می گوید: نمازهای واجبی که در شرایط عادی به صورت قصر خوانده می شود، مستحب است که نافله های آن ها در اماکن اربعه خوانده شود. دلیل این استحباب، ادله اتمام نماز است؛ زیرا در این اماکن، به دلیل وجود تخییر این امکان وجود دارد که نمازهای واجب به صورت کامل (تمام) خوانده شوند. بنابراین، استحباب خواندن نافله ها نیز به دلیل همین قاعده بر عهده نمازگزار قرار می گیرد. به بیان دیگر، در فقه شیعه به طور معمول نماز قصر مخصوص مسافران است. اما در این چهار مکان مقدس حتی مسافران نیز می توانند نماز واجب خود را به صورت تمام بخوانند. این حکم به عنوان قاعده خاصی در این مکان ها مطرح شده است. شهید اول بیان می کند که این قاعده اتمام می تواند به نوافل نیز سرایت کند. به این معنا که، مستحب است نافله ها نیز به صورت مختصر (قصر) انجام شوند.^{۹۶}

۴. ۷. سزاوارنبودن ترک نافله

صاحب مفاتیح الشرایع می فرماید: سزاوار نیست که نوافل در اماکن اربعه ترک شود، خصوصاً همراه اینکه مکلف فرائض را تمام بخواند.^{۹۸۹۷}

۴. ۸. عدم دلیل قطعی بر سقوط نوافل در اماکن اربعه

سیدزیدی بیان می کند: نافله در اماکن اربعه به علت احتمال مطلوبیت رجائاً خوانده شود، زیرا نسبت به سقوط و عدم سقوط در آن اختلاف وجود دارد.^{۹۹}

۵. ادله سقوط نوافل

روحانی در فقه الصادق می گوید: نوافل یومیة مسافر مطلقاً ساقط می شود، خصوصاً در اماکن اربعه و همین قول را نیز اقوی شمرده اند.

۵. ۱. اطلاق نصوص

مقتضای اطلاق نصوص، تعیین قصر در سفر و سقوط نوافل یومیة در آن است.^{۱۰۰} اما اخبار دال بر جواز اتمام در اماکن اربعه موجب تقیید اطلاقات تعیین قصر می شود. بنابراین، در اماکن اربعه تعیین قصر نیست و نسبت به قصر مخیر هستیم. بالاین حال، این امر موجب تقیید سقوط نوافل یومیة نمی شود؛ چراکه دلیلی بر

۹۶. شهید اول، ذکر، ۳۹۷/۲ و ۳۳۵/۴.

۹۷. فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۳۴/۱.

۹۸. شهید اول، ذکر، ۳۳۵/۴؛ هاشمی شاهرودی، قرانات الفقهیه، ۱۹۵/۴.

۹۹. یزدی، عروة الوثقی، ۱۶۰/۲.

۱۰۰. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۱/۴.

آن نداریم. همچنین اخباری که دال بر محبوبیت کثرت صلات یا استحباب تطوع در اماکن اربعه هستند، دلالت نمی‌کنند بر مشروعیت نوافل نهاریه در این اماکن، به گونه‌ای که موجب تقیید اطلاقات شود.^{۱۰۱} (یعنی کثرت صلات موجب تشریع نوافل نیست).^{۱۰۲}

تحلیل و پاسخ اطلاق نصوص: روایات دال بر کثرت صلات مطلقاً و محل بحث، که ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه باشد را در بر می‌گیرد،^{۱۰۳} به ویژه اینکه برخی از روایات به طور صریح ذکر کرده‌اند که خواندن نوافل جایز است. برای نمونه، از حضرت درباره خواندن نوافل نهاریه در سفر سؤال می‌کنند^{۱۰۴} و حضرت می‌فرماید: هر چه توان داری بخوان؛ (نعم ما قدرت علیه)^{۱۰۵} یا راوی از حضرت سؤال می‌کند که آیا می‌توانم در حالی که مسافر هستم و نمازهایم شکسته است، نماز مستحبی در روز، آن هم کنار قبر حسین بن علی و حرمین بخوانم؟ حضرت فرموده‌اند: بله.^{۱۰۶}

۵. ۲. عدم وجود قرینه بر تبعیت

سبزواری^{۱۰۸} می‌گوید: مقتضای عموم اخبار، سقوط نافله ظهرین در اماکن اربعه است، حتی اگر اتمام اختیار شود؛ زیرا وی تبعیت را فرع بر قرینه می‌داند، که در اینجا قرینه‌ای وجود ندارد، حتی در روایت ابی حنط. اگر هم تبعیت وجود داشته باشد، این تبعیت در اصل تشریع است، نه در حالات عارضی بر آن.^{۱۰۹}

۵. ۳. اخبار

نائینی می‌فرماید: فریضه در سفر بر حسب جعل اولی مقصوره است (صغرا) و اتمام در موطن تخییر رخصت است (کبرا). بنابراین، وقتی بر حسب جعل، فرائض مقصوره است، نوافل نیز ساقط می‌شود (نتیجه).^{۱۱۰}

اما روایاتی که ظهور دارند در اینکه نوافل در سفر ساقط می‌شود، عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱.

۱۰۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۲۹/۸ و ۵۳۵.

۱۰۲. روحانی، فقه الصادق، ۲۱/۴ و ۲۲.

۱۰۳. «اکثار» سبب تشریع نافله نیست، فتأمل.

۱۰۴. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۸/۲.

۱۰۵. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۵/۸.

۱۰۶. طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۶/۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۳/۸.

۱۰۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۵/۸؛ طوسی، الاستبصار، ۳۳۱/۲.

۱۰۸. سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۳/۵؛ ۲۸۲/۹.

۱۰۹. مراد از حالات عارضه، اماکن اربعه و غیر اماکن اربعه است.

۱۱۰. نائینی، کتاب الصلاة، ۱/۸.

«الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء»؛^{۱۱۱} ۲. صفوان بن يحيى «قال سألت عن التطوع بالنهار وأنا في السفر، فقال لا».^{۱۱۲}

اما مؤدای دو روایت:

مؤدای روایت اول: سقوط نوافل، چه قبل صلات مقصوره و چه بعد صلات مقصوره.

مؤدای روایت دوم: سقوط نوافل چه در فرض اتمام فریضه چه در فرض قصر فریضه.^{۱۱۳}

تحلیل و پاسخ روایت اول:^{۱۱۴} این روایت نه تنها شامل فرائض در اماکن اربعه نمی شود، بلکه شامل نوافل در این اماکن نیز نیست، زیرا روایت فقط در فرض قصر فریضه آمده است که نافله چه قبل و چه بعد از آن ساقط می شود، اما درباره فرض اتمام فریضه اصلاً در مقام بیان نیست.

بنابراین، روایت «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكْعَتَانِ» اولاً دلالت روایت بر شکسته شدن نماز در سفر صریح است؛ ثانیاً قید «رَكْعَتَانِ» احترازی است از نماز کامل، همان طور که قید «شَيْءٌ» احترازی است از نافله ناقصه، زیرا با نقصان فریضه، نافله کلاً ساقط می شود؛ ثالثاً ظهور روایت در جعل تعیینی است، نه تخییری؛ رابعاً عناوین، ظهور در فعلیت دارند، به همین دلیل «رَكْعَتَانِ» به معنای کسی است که برای او به طور بالفعل نماز دو رکعتی جعل شده است، مشابه به عبارت «لَا تُصَلِّ خَلْفَ الْفَاسِقِ»، که مراد کسی است که بالفعل فاسق است. این امر خلاف اماکن اربعه است، زیرا در اماکن اربعه، در حق مکلف قصر به طور بالفعل نیست، بلکه قصر جایز است. بنابراین، روایت در حقیقت به این صورت خواهد بود: «الصَّلَاةُ بِالْفِعْلِ لِمُكَلَّفِ الْمُسَافِرِ رَكْعَتَانِ».

اما آیا روایت مذکور، ظهور در نوافل دارد؟ بله، زیرا ظهور قید «لیس قبلهما و لا بعدهما» در نوافل است؛ چراکه تنها اعمالی که قبل صلات و بعد صلات، در مرتکبات متشرعه وجود دارد همان نوافل است. اما قید «قبلهما»، مراد نافله ظهر، عصر، صبح است، و قید «بعدهما» مراد نافله مغرب و عشاء است. این گونه نیست که هریک از این قیده‌ها حکم جداگانه‌ای را بیان کنند، به طوری که قید «قَبْلَهُمَا» حکم سقوط نافله را بیان کند و قید «بَعْدَهُمَا» حکم نقصان فریضه را بیان کند؛ زیرا اولاً این امر خلاف ظهور روایت است؛ ثانیاً خلاف وحدت سیاق موجود در کلام است؛ چراکه قید «شَيْءٌ» در روایت که به عنوان اسم مؤخر برای «لَا» است، خبرش دو قید «قَبْلَهُمَا و لَا بَعْدَهُمَا» است و همچنین «وَاو» در روایت عطف است، نه تفسیر؛ ثالثاً

۱۱۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۱/۴.

۱۱۲. طوسی، استبصار، ۲۲۱/۱. به این دو مضمون، روایات کثیره‌ای موجود است در روایات.

۱۱۳. نجفی اصفهانی، نجعة المرئاد، ۳۵۷، موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳.

۱۱۴. نائینی، کتاب الصلاة، ۱/۸۱.

اصل در قیود، احترازیست است، نه تأکیدبودن.

بنابراین، بر فرض صحت کلام، لازمه آن این است که قید «بَعْدَهُمَا» تأکید و تفسیر «رُكْعَتَانِ» باشد. به این صورت که، روایت می‌گوید: فریضه در سفر دو رکعت است که نافله‌های قبل از آن ساقط است و فریضه دورکعتی بعد از آن چیزی نیست که به نظر می‌رسد کاری لغو باشد.^{۱۱۶۱۱۵}

نتیجه روایت اول: اخبار این قسم دلالت می‌کند بر سقوط نوافل در سفری که قصر در آن تعیین دارد، نه به‌طور مطلق. ازاین‌رو، چون در اماکن اربعه، قصر تعیینی ندارد و بلکه قصر جایز است، این روایت شامل آن نمی‌شود. بنابراین، عمومات نوافل از معارض سالم می‌مانند و تقویت می‌شوند، به‌ویژه با روایاتی که می‌فرمایند: «فَأَنَا أَحَبُّ لَكَ... تَكْثُرُ فِيهِمَا مِنَ الصَّلَاةِ»^{۱۱۷} یا روایتی که در کامل الزیارات آمده است: «نعم، ما قدرت علیه.»^{۱۱۹۱۱۸}

تحلیل و پاسخ روایت دوم: روایت دوم فی نفسه مقتضایش سقوط نافله هست مطلقاً؛ چه فرض اتمام یا تقصیر، چه اماکن اربعه یا غیراماکن اربعه. اما ممکن است استدلال آوریم بر عدم سقوط نافله در فرض اختیار اتمام^{۱۲۰} به دلیل تعلیلی که در روایت فضل از امام رضا(ع) وجود دارد که حضرت می‌فرماید: تنها نماز مستحبی روزانه ترک می‌شود و نماز مستحبی شبانه ترک نمی‌شود. دلیل سخن ایشان نیز این است که هر فریضه‌ای که قصر نمی‌شود، نافله‌اش هم قصر نمی‌شود.^{۱۲۲۱۲۱}

اما عمده اشکالی که مطرح می‌شود این است که شما معنای روایت را به اشتباه فهمیده‌اید. مراد از فقره «لَا نَ كُلَّ صَلَاةٍ لَا يَقْصِرُ فِيهَا لَا يَقْصِرُ فِي مَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ»^{۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵} این نیست که هر صلاتی که تمام باشد نافله‌اش نیز ثابت است، بلکه مراد این است که هر صلاتی که اصلاً قابلیت شکسته‌شدن در سفر (چه در اماکن اربعه و چه در غیراماکن اربعه) را ندارد مانند مغرب و صبح نافله‌اش ثابت است. بنابراین، در

۱۱۵. همدانی، مصباح الفقیه، ۶۳/۹.

۱۱۶. نراقی، مستند الشیعة، ۴۳۹/۵.

۱۱۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۲۵/۸؛ طوسی، استبصار، ۴۲۸/۵.

۱۱۸. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۲۴۷/۱.

۱۱۹. طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۶/۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۳/۸.

۱۲۰. روایات دال بر سقوط نوافل در سفر؛ در فرض اختیار قصر، مطلق و مقید است. بنابراین، باید حکم مطلق و مقید متوافقین را جاری کرد که برخی در اینجا اطلاق‌گیری را موجه نمی‌دانند.

۱۲۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۸۷/۴.

۱۲۲. بروجردی، تقریر بحث السید البروجردی، ۳۷۰/۲.

۱۲۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۲۹/۸.

۱۲۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۵/۸.

۱۲۵. اراکی، کتاب الصلاة، ۳۱ و ۳۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۳۵/۸.

مجموع، مراد روایت این است که هر صلاتی که مقتضای سقوط را ندارد، نافله اش نیز ساقط نمی شود؛ چه نافله قبل از آن باشد و چه بعد از آن.

نتیجه روایت دوم: روایت دوم مربوط به صلات مسافر در غیرامکن اربعه است و ارتباطی به امکن اربعه ندارد، هرچند قید «أنا فی السفر» اطلاق دارد اما به دلیل قرینه موجود در روایت، منصرف به غیرامکن اربعه است.^{۱۲۶} علاوه بر این، نسبت به نوافل، روایت اعم از مدعاست. بدین معنا که، درست است که تطوع به طور کلی به اعمال مستحبی اطلاق می شود و نوافل را نیز در بر می گیرد، اما روایت اعم از مدعاست. زمانی اشکال شما وارد است که روایت مساوی با مدعا باشد، نه اخص از آن یا اعم از آن.

نتیجه گیری

ادله ای که اصل جعل نوافل را بیان می کنند، دامنه ای محدود به مجعول تعیینی دارند و شامل مجعول تخییری در امکن اربعه نمی شوند، زیرا اگر کثرت صلات در سفر با مسافرت سازگار بود باید فرائض به طور کامل تشریع می شدند. اما با تأمل بیشتر می توان ارتباطی منطقی میان کثرت صلات و سفر برقرار کرد، به ویژه در شرایطی که عارضه ای خاص به وجود آمده باشد که آن عارضه، خود امکن تخییر است که این عارضه سبب می شود نوافل در این امکن ساقط نشوند.

افزون بر این، در امکن اربعه، مرجع اصلی برای بررسی این مسئله یا اصل لفظی است یا اصل عملی. طبق اصل لفظی، نوافل به طور قوی و بدون تردید ثابت می شود، مگر اینکه دلیلی بر مشروعیت سقوط نوافل در این امکن ارائه شود. در اصل عملی نیز استصحاب ثبوت نوافل مطرح است. به این معنا که، مکلف به خوبی آگاه است که دیروز هنگامی که در وطن بوده، نوافل بر او واجب بوده است. از طرفی می داند که در سفر خارج از امکن اربعه به سبب اجماع و ضرورت و روایات معتبر نوافل ساقط می شود. حالا در حالتی که در امکن اربعه است شک دارد که آیا نوافل از او ساقط شده اند یا خیر؟ در این صورت، استصحاب ثبوت نوافل در این مکان ها، ثبوت حکم را تأیید می کند.

در نتیجه، می توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. خواندن نوافل، چه براساس قول به سقوط نوافل و چه براساس ثبوت نوافل به قصد رجاء، با اجماع فقها هیچ گونه مانعی ندارد.

۲. قول به سقوط مطلق نوافل، به دلیل عدم تقیید نوافل توسط ادله جواز اتمام ساقط شد. افزون بر این، روایات مربوط به سقوط نوافل علاوه بر مشکلات سندی، توان مقابله با سایر ادله را نداشتند.

۱۲۶. نجفی اصفهانی، نجعة المرتاد، ۳۵۸.

۳. قول به ثبوت نوافل در صورتی که فريضه خارج از اماکن اربعه ادا شده باشد، به دلیل مغلق بودن و مجمل بودن این ادله، به طور کامل استنادش نمی‌نماید.
۴. قول به ثبوت نافله ظهرین در فرض اتمام نیز به دلیل رد ملازمه و مجعول تعیینی بودن ادله پذیرفته نشد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد. النهاية في غريب الحديث و الأثر. بی جا: اسماعیلیان. ۱۸۹۳م.
- ابن ادریس، محمد بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. المقنع. قم: مؤسسه امام هادی (ع). ۱۴۱۵ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. الهدایة فی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام هادی (ع). ۱۴۱۸ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر. المذهب. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۰۶ق.
- ابن زهره، حمزة بن علی. غنیة النزوع إلى علمي الأصول و الفروع. قم: امام صادق (ع). ۱۴۱۷ق.
- ابن سعید، یحیی بن احمد. الجامع للشرائع. قم: سید الشهداء العلمية. ۱۴۰۵ق.
- ابن سعید، یحیی بن احمد. نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه و النظائر. قم: رضی. ۱۳۹۴ق.
- ابن شهید ثانی، محمد بن حسن. استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار. بی جا: آل البيت (ع). ۱۴۱۹ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین (ع). ۱۴۰۳ق.
- اراکي، محمد علی. کتاب الصلاة. قم: دفتر جناب مؤلف. ۱۴۲۱ق.
- اشتهاردی، علی پناه. مدارک العروة. بی جا: دار الأسوة. ۱۴۱۷ق.
- اصفهانى، ابوالحسن. صلاة المسافر. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۵ق.
- انصارى، مرتضى بن محمد امين. کتاب الصلاة. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. ۱۴۱۵ق.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. التعليقات على الروضة البهية. قم: منشورات المدرسة الرضوية. بی تا.
- آل کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. انوار الفقاهة: کتاب الصلاة. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء. ۱۴۲۲ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۰۵ق.
- بروجردی، حسین. تبیان الصلاة. قم: گنج عرفان. ۱۴۲۶ق.
- بروجردی، حسین. تقریر بحث السید البروجردی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۶ق.
- بروجردی، حسین. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر. قم: دفتر حضرت آیت الله. ۱۴۱۶ق.
- بروجردی، حسین. نهاية التقرير. بی جا: بی نا. بی تا.

- بنی فضل، مرتضی. مدارک تحریر الوسيلة للامام الخميني: كتاب الصلاة. بی جا: بی نا. بی تا.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. مصابيح الظلام. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی. ۱۴۲۴ق.
- بهجت فومنی، محمدتقی. بهجة الفقيه. قم: شفق. ۱۴۲۴ق.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب. التعليقة الاستدلالية على تحریر الوسيلة. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۴۲۱ق.
- ترحینی عاملی، محمد حسن. الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية. قم: دار الفقه. ۱۴۲۷ق.
- جمعی از پژوهشگران. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. ۱۴۲۶ق.
- جمعی از پژوهشگران. معجم فقه الجواهر. زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی. بیروت: الغدير. ۱۴۱۷ق.
- حجت کوهکمره‌یی، سید محمد. النجم الزاهر في صلاة المسافرين. تبریز: طلوع. ۱۴۱۰ق.
- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۹ق.
- حکیم، سید محسن. مستمسک العروة الوثقی. قم: دار التفسیر. ۱۴۱۶ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۱۴۰۹ق.
- خمینی، روح الله. زبدة الأحكام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۴۰۴ق.
- خوانساری، احمد بن یوسف. جامع المدارک في شرح مختصر النافع. قم: اسماعیلیان. ۱۴۰۵ق.
- خوانساری، احمد بن یوسف. مشارق الشموس في شرح الدروس. قم: مكتبة الداوری. ۱۴۰۵ق.
- خویی، ابوالقاسم. منهاج الصالحين. قم: مدينة العلم. ۱۴۱۰ق.
- خویی، ابوالقاسم. موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی (ره). ۱۴۱۸ق.
- روحانی، سید صادق. فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب-مدرسه امام صادق (ع). ۱۴۱۲ق.
- سبحانی تبریزی، جعفر. ضیاء الناظر في أحكام صلاة المسافرين. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ۱۴۱۸ق.
- سبزواری، سید عبدالأعلى. مهذب الأحكام. قم: المنار. ۱۴۱۳ق.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. المراسم العلوية و الأحكام النبوية. قم: منشورات الحرمین. ۱۴۰۴ق.
- سند، محمد. سند العروة الوثقی: صلاة المسافرين. قم: داوری. ۱۴۱۳ق.
- شوشتری، محمدتقی. النجعة في شرح اللمعة. تهران: کتاب فروشی صدوق. ۱۴۰۶ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۷ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. البیان. قم: محقق. ۱۴۱۲ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. القواعد و الفوائد. قم: کتاب فروشی مفید. بی تا.
- شهید اول، محمد بن مکی. ذکر الشیعة في احکام الشریعة. قم: آل البيت (ع). ۱۴۱۹ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. الألفية. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۱۴ق.

- شهید اول، محمد بن مکی. غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ١٤١٣ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. اللمعة الدمشقية. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ١٤١٠ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. النفلية. قم: مدرسه الإمام المهدی (عج). ١٤٠٨ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الحاشية الأولى على الألفية. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٢٠ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الحاشية الثانية على الألفية. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٢٠ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الفوائد الملية لشرح الرسالة النفلية. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٢٠ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. حاشية الإرشاد. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤١٤ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. حاشية المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٢٢ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. حاشية شرائع الإسلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٢٢ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤٠٢ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية. ١٤١٣ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ١٤١٠ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن. جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ١٤٠٤ق.
- طباطبای قمی، سید تقی. مبانی منهاج الصالحین. قم: قلم الشرق. ١٤٢٦ق.
- طباطبای کربلائی، علی بن محمد علی. ریاض المسائل. قم: آل البيت (ع). ١٤١٨ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد. بی جا: کتابخانه جامع چهل ستون. چاپ اول، ١٣٧٥ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الجمل و العقود فی العبادات. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد. ١٣٨٧ق.
- طوسی، محمد بن حسن. النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بی جا: دار الكتاب العربی. ١٤٠٠ق.
- طوسی، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الإمامية. قم: مكتبة المرتضوية. ١٣٨٧ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الخلاف. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ١٤١٧ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الكتب الإسلامية. ١٣٩٠ق.
- طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحكام. تهران: دار الكتب الإسلامية. ١٤٠٧ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. ارشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ١٤١٠ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. الرسالة السعدية. بیروت: دار الصفاة. ١٤١٣ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ١٤١١ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ١٤٢٠ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: آل البيت (ع). ١٤١٤ق.

- علامه حلی، حسن بن یوسف. تلخیص المرام فی معرفة الأحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۲۱ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۳ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. بی جا: بی نا. ۱۴۱۳ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. منتهی المطلب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية. ۱۴۱۲ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام. قم: آل البيت (ع). ۱۴۱۹ق.
- علم الهدی، علی بن حسین. الانتصار فی انفرادات الإمامية. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۵ق.
- علم الهدی، علی بن حسین. المسائل الناصریات. تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية. ۱۴۱۷ق.
- علم الهدی، علی بن حسین. جمل العلم و العمل. نجف: الآداب. ۱۳۸۷ق.
- غروی اصفهانی، محمدحسین. صلاة المسافر. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۰۹ق.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة. قم: مؤلف. ۱۴۰۸ق.
- فقعانی، علی بن علی. مسائل ابن طی المسائل الفقهية. بی جا: بی نا. بی تا.
- فیاض، محمداسحاق. تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی. قم: محلاتی. بی تا.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی. بیروت: اعلمی. ۱۴۰۱ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. معتصم الشیعة فی احکام الشریعة. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری. ۱۴۲۹ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۱ق.
- قمی، عباس بن محمد رضا. الدلائل. قم: منشورات الرضی. ۱۳۷۹ق.
- قولویه، جعفر بن محمد. کامل الزیارات. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۱۷ق.
- کاشانی، حبیب الله بن علی مدد. تسهیل المسالك إلى المدارک. بی جا: المطبعة العلمية. ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الكتب الإسلامية. ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. لوازم صاحبقرانی. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۴ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. المختصر النافع فی فقه الإمامية. قم: مؤسسه المطبوعات الدينية. ۱۴۱۸ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. المعتبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء (ع). ۱۴۰۷ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان. ۱۴۰۸ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. نکت النهایة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۲ق.
- محقق داماد، سید محمد. کتاب الصلاة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۶ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: آل البيت (ع). ۱۴۱۴ق.
- مدرس یزدی، عباس. نموذج فی الفقه الجعفري. قم: کتاب فروشی داورى. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

- مفید، محمدبن محمد. الإشراف فی عامة فرائض اهل الإسلام. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. ۱۴۱۳ق.
- مفید، محمدبن محمد. الإعلام بما اتفقت علیه الإمامية من الأحكام. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. ۱۴۱۳ق.
- مفید، محمدبن محمد. المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. ۱۴۱۳ق.
- مقدس اردبیلی، احمدبن محمد. مجمع الفائدة والبرهان. قم: مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۰۳ق.
- موسوی عاملی، محمدبن علی. مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: آل البيت (ع). ۱۴۱۱ق.
- میرزای قتی، ابوالقاسم بن محمد حسن. غنائم الآثام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۱۷ق.
- نائینی، محمدحسین. کتاب الصلاة. قم: مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۱۱ق.
- نجفی اصفهانی، محمدرضا. نجعة المرتاد. اصفهان: مؤسسة فرهنگی مطالعاتی الزهراء (س). ۱۴۱۶ق.
- نراقی، احمدبن محمد مهدی. مستند الشیعة فی احکام الشریعة. بی جا: آل البيت (ع). ۱۴۱۵ق.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر. تحفة رضویه. قم: مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۲۶ق.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. قرانات الفقهية المعاصرة. قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). ۱۴۲۳ق.
- همدانی، رضابن محمد هادی. مصباح الفقيه. قم: مؤسسة الجعفرية لإحياء التراث، مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۱۶ق.
- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. العروة الوثقی المحشی. بی جا: مؤسسة نشر اسلامی. ۱۴۱۹ق.
- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمينی. بی جا: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۴۲۲ق.
- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. العروة الوثقی. بیروت: اعلمی. ۱۴۰۹ق.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm

Abū al-Ṣalāḥ Ḥalabī. Taqī ibn Najm. *al-Kāfi fī al-Fiqh*. Isfahān: Kitābkhanah-yi Umūmī Amīr al-Mu'minīn(AS), 1983/1403.

Āl Kāshif al-Ghiṭā', Ḥasan ibn Ja'far. *Anwār al-Faqāhah: Kitāb al-Ṣalāt*. Najaf: Mū'assisa Kāshif al-Ghiṭā', 2001/1422.

'Alam al-Hudā, 'Alī ibn Ḥusayn. *al-Intiṣār fī Infirādāt al-Imāmiyah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1995/1415.

'Alam al-Hudā, 'Alī ibn Ḥusayn. *al-Masā'il al-Nāṣiriyyāt*. Tehran: Rābiṭah al-Thaqāfa wa al-'Alāqāt al-Islāmiyya. 1996/1417.

'Alam al-Hudā, 'Alī ibn Ḥusayn. *Jumal al-'Ilm wa al-'Amal*. Najaf: al-Ādāb, 2009/1387.

- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Talkhīṣ al-Marām fī Ma’rifā al-Aḥkām*. Qum: Mū’assisah Nashr Islāmī. 2000/1421.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *al-Nihāya al-Aḥkām fī Ma’rifā al-Aḥkām*. Qum: Āl al-Bayt(AS), 1998/1419.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *al-Risāla al-Sa’dīyah*. Beirut: Dār al- Ṣafwa, 1993/1413.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Irshād al-Adhhān ilā Aḥkām al-Īmān*. Qum: Mū’assisah Nashr Islāmī, 1990/1410.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Mukhtalif al-Shī’a fī Aḥkām al-Sharī’a*. s.l.: s.n. 1993/1413.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Muntahā al-Maṭlab*. Mashhad: Majma’ Buhūth al-Islāmiyya. 1992/1412.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Qawā’id al-Aḥkām fī Ma’rifā al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Mū’assisah Nashr Islāmī. 1993/1413.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tabṣira al-Muta’allimīn fī Aḥkām al-Dīn*. Tehran: Mū’assisah-yi Chāp va Nashr Vābastih bi Vizārat-i Farhang va Irshād Islāmī. 1991/1411.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tadhkara al-Fuqahā*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1994/1414.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tahrīr al-Aḥkām al-Sharīyah ‘alā Mazhab al-Imāmiya*. Qum: Mū’assisah-yi Imām Ṣādiq(AS), 1999/1420.
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb al-Ṣalāt*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Buzurgdāshṭ Shaykh A’zam Anṣārī, 1995/1415.
- Āqā Jamāl Khuwānsārī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Ta’līqāt ‘alā al-Rawḍa al-Bahīya*. Qum: Manshūrāt al-Madrisah al-Raḍawīya. S.d.
- Arākī, Muḥammad ‘Alī. *Kitāb al-Ṣalāt*. Qum: Daftar Jināb Mu’allif, 2000/1421.
- Bahbahānī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Akmal. *Maṣābiḥ al-Ḥalāl*. Qum: Mū’assisa ‘Allāmah Waḥīd al-Bahbahānī, 2003/1424.
- Bahjat Fūmanī, Muḥammad Taqī. *Bahjat al-Faqīh*. Qum: Shafaq, 2003/1424.
- Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad. *Ḥadā’iq al-Nādira fī Aḥkām al-Itira Ṭāhira*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1985/1405.
- Banī Faḍl, Murtaḍā. *Madārik Tahrīr al-Wasīlah li-l-Imām Khumaynī: Kitāb al-Ṣalāt*. s.l. s.n. s.d.
- Burūjirdī, Ḥusayn. *al-Badr al-Zāhir fī Ṣalāt al-Jum’ah wa al-Musāfir*. Qum: Daftar Ḥazrat Āyat Allāh, 1996/1416.

Burūjirdī, Ḥusayn. *al-Nihāya al-Taqrīr*. s.l. s.n. s.d.

Burūjirdī, Ḥusayn. *Maqrīr Baḥṭh al-Sayyid al-Burūjirdī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1996/1416.

Burūjirdī, Ḥusayn. *Tibyān al-Ṣalāt*. Qum: Ganj Irfān, 2005/1426.

Faq'ānī, 'Alī ibn 'Alī. *Masā'il Ibn Ṭay, al-Masā'il al-Fiqhiyah*. s.l. s.n. s.d.

Fayyāḍ, Muḥammad Ishāq. *Ta'ālīq Mabsūṭa 'alā al-'Urwa al-Wuthqā*. Qum: Maḥalātī. S.d

Fāzil Muwaḥidī Lankarānī, Muḥammad. *Tafṣīl al-Sharī'a fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīla*. Qum: Mu'allif, 1988/1408.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaḍā. *al-Mu'taṣam al-Shī'a fī Ahkām al-Sharī'a*. Tehran: Madrisah 'Ālī Shahīd Muṭaharī. 2008/1429.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaḍā. *Al-Shahāb al-Thaqāb fī Vujūb Ṣalāt al-Jum'ah al-Aynī*. Beirut: al-A'lamī. 1981/1401.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaḍā. *Mafātīḥ Sharā'i'*. Qum: Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī, 2023/1401.

Gharavī Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Ṣalāt al-Musāfir*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1989/1409.

Ḥakīm, Sayyid Muḥsin. *Mustamsak al-'Urwa al-Wuthqā*. Qum: Dār al-Tafsīr. 1995/1416.

Hamadānī, Rizā ibn Muḥammad Hādī. *Miṣbāḥ al-Faqīh*. Qum: Mū'assisa al-Ja'fariya li-Iḥyā' al-Tūrāth, Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. , 1995/1416.

Hāshimī Shāhrūdī, Sayyid Maḥmūd. *Qarā'āt Fiqhiyah Mu'āshirah*. Qum: Mū'assisa Dāyrah al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Madhhab Ahl-i Bayt(AS). 2002/1423.

Ḥujat Kuhkamārī, Sayyid Muḥammad. *al-Najm al-Zāhir fī Ṣalāt al-Musāfir*. Tabriz: Ṭulū', 1990/1410.

Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Wasā'il al-Shī'a*. Qum: Mū'assisa Āl al-Bayt(AS). 1989/1409.

Ḥusaynī 'Āmulī, Muḥammad Jawād ibn Muḥammad. *Miftāḥ al-Karāmah fī Sharḥ Qawā'id 'Allāma*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1998/1419.

Ibn Āthīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. S.l.: Ismā'īliyyān. 1893/1311.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *al-Hidāya fī al-Uṣūl wa al-Furū'*. Qum: Mū'assisa al-Imām al-Hādī(AS). 1997/1418.

Ibn Barrāj, 'Abd 'Aziz ibn Niḥrīr. *al-Muḥadhdhab*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1986/1406.

Ibn Idrīs, Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Sarā'ir al- Ḥawī li- Tahrīr al-Fatāwī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1990/1410.

Ibn Sa'īd, Yaḥyā ibn Aḥmad. *al-Jāmi' li-l-Sharāy'*. Qum: Sayyid al-Shuhadā 'Ilmiyyah, 1985/1405.

Ibn Sa'īd, Yaḥyā ibn Aḥmad. *Nuzha al-Nāzir fi al-Jama' Bayn al-Ashbāh wa al-Nazā'ir*. Qum: Raḍī, 1974/1394.

Ibn Shahīd Thānī, Ḥasan ibn Zayn al-Dīn. *Istiqṣā' al-I'tibār fi Sharḥ al-Istibṣār*. S.l: Āl al-Bayt(AS), 1998/1419.

Ibn Zuhrah, Ḥamza ibn 'Alī. *Ghunya al-Nuzū' ilā 'Ilmī al-Uṣūl wa Furū'*. Qum: Imām Ṣādiq (AS), 1997/1417.

Isfahānī, Abū al-Ḥasan. *Ṣalāt al-Musāfir*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1995/1415.

Ishtihārdī, 'Alī Panāh. *Madārik al-Urwa*. S.l: Dār al-Uswah. 1996/1417.

Jam'ī az Pazhūhishgarān. *Farhang-i Fiqh Muṭābiq-i Mazḥab-i Ahl-i Bayt(AS)*. zir nazar Sayyid Maḥmūd Hāshimī Shāhrūdī. Qum: Dāyrah al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī. 2005/1426.

Jam'ī az Pazhūhishgarān. *Mu'jam al-Fiqh al-Jawāhir*. zir nazar Sayyid Maḥmūd Hāshimī Shāhrūdī. Beirut: al-Ghadir. 1996/1417.

Kāshānī, Ḥabīb Allāh ibn 'Alī Madad. *Tashīl al-Masālik ilā al-Madārik*. S.l. al-Maṭba'a al-'Ilmiyya, 1984/1404.

Khū'ī, Abū al-Qāsim. *Mausū'at al-Imām al-Khū'ī*. Qum: Mū'assisa Ihyā' Āṣār al-Imām al-Khū'ī. 1997/1418.

Khū'ī, Abū al-Qāsim. *Minḥāj al-Ṣāliḥīn*. Qum: Madīnah al-'Ilm. 1990/1410.

Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Zubda al-Aḥkām*. Tehran: Sāzimān Tabliḡhāt Islāmī, 1984/1404.

Khuwānsārī, Aḥmad ibn Yusūf. *Jāmi' al-Madārik fi Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi'*. Qum: Ismā'īliyyān, 1985/1405.

Khuwānsārī, Aḥmad ibn Yusūf. *Mashāriq al-Shumūs fi Sharḥ al-Durūs*. Qum: al- Maktaba al-Dāwarī, 1985/1405.

Kulīnī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1987/1407.

Majlisi, Muḥammad Taqī ibn Maqṣūd 'Alī. *Lawāmi' Ṣāhibqarānī*. Qum: Ismā'īliyyān. 1994/1414.

Mīrzā-yi Qumī, Abū al-Qāsim ibn Muḥammad Ḥasan. *Ghanā'im al-Ayyām fi Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1417.

Mudarris Yazdī, 'Abbās. *Namūdḥaj fi al-Fiqh al-Ja'farī*. Qum: Kitābfurūshī Dāwarī, Chāp-i Awwal,

1990/1410.

Mufid, Muḥammad ibn ‘Alī. *al-Muqni’a*. Qum: Mū’assisa Imām Hādī(AS). 1995/1415.

Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-I’lām Bimā Ittafaqat ‘Alayhi al-Imāmiyah min al-Aḥkām*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Hizāriḥ Shaykh Mufid, 1993/1413.

Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Ishrāf fi ‘Āmah Farā’ id Ahl al-Islām*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Hizāriḥ Shaykh Mufid, 1993/1413.

Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Muqni’a*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Hizāriḥ Shaykh Mufid, 1993/1413.

Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muḥammad. *Kitāb al-Ṣalāt*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1416.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja‘far ibn Ḥasan. *al-Mukhtaṣar al-Nāfi‘ fi Fiqh al-Imāmiya*. Qum: Mū’assisa al-Maṭbū‘āt al-Dīniya, 1997/1418.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja‘far ibn Ḥasan. *al-Mu’tabar fi Sharḥ al-Mukhtaṣar*. Qum: Sayyid al-Shuhadā(AS), 1987/1407.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja‘far ibn Ḥasan. *Nukat al-Nihāya*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1992/1412.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja‘far ibn Ḥasan. *Sharā’i‘ al-Islām fi Masā’il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Ismā‘īliyyān. 1988/1408.

Muḥaqqiq Karakī, ‘Alī ibn Ḥusayn. *Jāmi‘ al-Maqāṣid fi Sharḥ al-Qawā’id*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1994/1414.

Muqaddas Ardabilī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Majma‘ al-Fā’ida wa al-Burhān*. Qum: Mū’assisah Nashr Islāmī, 1983/1403.

Mūsawī ‘Āmilī, Muḥammad ibn ‘Alī. *Madārik al-Aḥkām fi Sharḥ ‘Ibādāt Sharā’i‘ al-Islām*. Beirut: Āl al-Bayt(AS), 1991/1411.

Nā’inī, Muḥammad Ḥusayn. *Kitāb al-Ṣalāt*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1991/1411.

Najafī Isfahānī, Muḥammad Riḍā. *Nuj‘a al-Murtād*. Isfahān: Mū’assisah-yi Farhangī Muṭālī‘āt al-Zahrā, 1995/1416.

Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. *Mustanad al-Shī‘a fi al-Aḥkām al-Sharī‘a*. S.l: Āl al-Bayt(AS), 1995/1415.

Narāqī, Mahdī ibn Abīzar. *Tuḥafa Raḍawīyah*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 2005/1426.

Qūliwayh, Ja‘far ibn Muḥammad. *Kāmil al-Ziyārāt*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, 1996/1417.

Qumī, Abbās ibn Muḥammad Riḍā. *al-Dalā'il*. Qum: Manshūrāt al-Raḍī, 1960/1379.

Rūḥānī, Sayyid Muḥammad Ṣādiq. *Fiqh al-Ṣādiq(AS)*. Qum: Dār al-Kitāb -Madrisah-yi Imām Ṣādiq (AS), 1992/1412.

Ṣāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāy' al-Islām*. Beirut: Dār Ihya' al-Tūrāth al-'Arabī., 1984/1404.

Salār Daylamī, Ḥamazat ibn 'Abd 'Azīz. *Al-Marāsīm al-'Alwiyya wa al-Aḥkām al-Nabawiya*. Qum: Manshūrāt al-Ḥaramīn, 1984/1404.

Sanad, Muḥammad. *Sanad al-'Urwa al-Wuthqā; Ṣalāt al-Musāfir*. Qum: Qum: Dāvarī. 1993/ 1413.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *Al-Alfiyah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1994/1414.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *Al-Bayān*, Qum: Muḥaqiq, 1992/1412.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Durūs al-Shar'iyyah fī Fiqh al-Imāmiyyah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1417.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Lum'a al-Dimashqiya*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1989/1410.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Naflīya*. Qum: Madrisah al-Imām al-Mahdi(AS). 1988/1408.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Qawā'id wa al-Fawā'id*. Qum: Kitāb-furūshī Mufid, s.d.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *Dhikrā al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. Qum: Āl al-Bayt(AS), 1998/1419.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *Ghāyat al-Murād fī Sharḥ Nukat al-Irshād*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1993/1413.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *al-Fawā'id al-Maliya li-Sharḥ al-Risāla al-Naflīya*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1999/1420.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *al-Ḥāshīya al-Thāniya 'alā al-Alfiyah*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī ,1999/1420.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *al-Ḥāshīya al-Ulā 'alā al-Alfiyah*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī ,1999/1420.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Ḥāsiyah al-Irshād*. Qum: Mū'assisa Nashr Islāmī, 1994/1414.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Ḥāsiyah Mukhtaṣar al-Nāfi'*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī ,

2001/1422.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā' al-Islām*. Qum: Mū'assisa al-Ma'ārif al-Islāmiyya. 1993/1413.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Rawḍ al-Jinān fī Sharḥ Irshād al-Adhhān*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī, 1982/1402.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *al-Rawḍa al-Bahiya fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī, 1990/1410.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Hāsiyah Sharā' al-Islām*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī, 2001/1422.

Shushtarī, Muḥammad Taqī. *al-Naj'a fī al-Sharḥ al-Lum'a*. Tehran: Kitābfurūshī al-Ṣadūq. 1986/1406.

Subḥānī Tabrizī, Ja'far. *Ẓiyā' al-Nāzir fī Ahkām Ṣalāt al-Musāfir*. Qum: Mū'assisah-yi Imām Ṣādiq (AS). 1998/1418.

Ṭabāṭabāyī Qumī, Sayyid Taqī. *Mabānī Minhāj al-Ṣāliḥīn*. Qum: Qalam al-Sharq. 2005/1426.

Ṭabāṭabāyī Karbalāyī, 'Alī ibn Muḥammad 'Alī. *Riyāḍ al-Masā'il*. Qum: Āl al-Bayt, 1997/1418.

Tajlīl Tabrizī, Abū Ṭālib. *al-Ta'liq al-Istidlāliya 'alā Tahrīr al-Wasīla*. Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsār-i Imām Khumaynī. 2000/1421.

Tarḥīnī 'Āmilī, Muḥammad Ḥasan. *al-Zubda al-Fiqhiya fī Sharḥ al-Rawḍa al-Bahiya*. Qum: Dār al-Fiqh, 2006/1427.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Iqtisād al-Hādī ilā Ṭariq al-Rashād*. S.I.: Kitābkhānah-yi Jām' Chihilsutūn. Chāp-i Awwal, 1997/1375.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Istibṣār fī mā Ikhtalafa min al-Akhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1970/1390.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Jamal wa al-Uqūd fī al-'Ibādāt*. Mashhad: Mū'assisa al-Nashr Ferdowsi University of Mashhad, 1968/1387.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Khilāf*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1997/1417.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Mabsūṭ fī Fiqh al-Imāmiya*. Tehran: Maktaba Murtaẓawīya, 1968/1387.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Nihāya fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā*. S.I.: Dār al-Kitāb al-'Arabī. 1980/1400.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhib al-Ahkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1987/1407.

Yazdī, Muḥammad Kāzīm ibn ‘Abd al-‘Azīm. *al-Urwa al-Wuthqā ma’a Ta’āliq a-Imām al-Khumaynī*. S.I.

Mū’assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsār-i Imām Khumaynī. 2001/1422.

Yazdī, Muḥammad Kāzīm ibn ‘Abd al-‘Azīm. *al-Urwa al-Wuthqā al-Muḥashshī*. S.I.: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1999/1419.